

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۵

صص ۲۷-۴۵

تحلیل ژئوپلیتیک و ژئواکونومی خط لوله گاز ایران - هند

دکتر عزت‌الله عزتی* - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
هادی ویسی - دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۸۵/۱۰/۲۵

تاریخ دریافت: ۸۵/۸/۱

چکیده

در دهه آغازین قرن بیست و یکم، تقاضا برای گاز طبیعی دارای بالاترین رشد می باشد. رشد فزاینده اقتصادی هند، نیازمندی این کشور به انرژی بویژه گاز طبیعی را افزایش داده است. از میان انتخابهای متعدد برای واردات گاز طبیعی، گزینه خط لوله زمینی ایران - هند مورد توجه زمامداران این کشور قرار گرفته است که با این روش انتقال خط لوله از سرزمین پاکستان در این پروژه ضرورتی انکارناپذیر است. اما مسأله این است که آیا همکاریهای اقتصادی ایران، هند و پاکستان در قالب پروژه خط لوله گاز می تواند چالشهای ژئوپلیتیکی میان سه دولت را به نفع منافع اقتصادی حل و یا تضعیف کند؟ برای پاسخ به این مسأله از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که دستاوردهای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی هند، ایران و پاکستان در احداث پروژه خط لوله زمینی یکسان نیست و همکاریهای اقتصادی بنهایی نمی تواند بازدارنده چالشهای ژئوپلیتیکی میان سه دولت باشد. بنابراین ناامنی، بزرگترین چالش پیش روی خط لوله گاز در سرزمین پاکستان است.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، ژئواکونومی، ایران - هند، خط لوله گاز، پاکستان.

۱- مقدمه

اقتصاد، اساس شکل گیری قلمرو و مرزبندیهای ژئواکونومیک است. در سالهای آغازین سده بیست و یکم سه دولت ایران، پاکستان و هند در جنوب و جنوب غربی آسیا به

دنبال تشکیل یک قلمرو ژئواکونومیکی^۱ می‌باشند. در این میان هند با رشد اقتصادی روز افزون یکی از سریعترین بازارهای رو به رشد تقاضا برای تولیدات انرژی در جهان پیش‌بینی می‌شود. از طرفی کشور ایران به واسطه موقعیت بی‌همتای ژئوپلیتیکی و ظرفیتهای بالای ژئواکونومی، داشتن منابع عظیم گازی بویژه در کرانه‌های خلیج فارس دارای توان اثرگذاری بالای در مناسبات بین‌المللی در حوزه تولید عناصر انرژی در جهان و بویژه در منطقه مذکور است که این عوامل شالوده تشکیل دهنده قلمرو ژئواکونومیکی جنوب آسیا است. وجود دو کانون بزرگ تولید انرژی (منطقه خلیج فارس و بویژه ایران) و مصرف انرژی (هند) در این قسمت از جهان باعث شکل‌گیری اندیشه انتقال گاز از ایران به هند به‌وسیله خط لوله در دهه پایانی قرن بیستم شد. براین اساس، برنامه‌ریزیها و طرح پیشنهادی عبور خط لوله از سرزمین پاکستان ضرورت یافته است. اما وجود پاره‌ای مؤلفه‌های سیاسی و تنشهای ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی که به‌طور عمده با محور بودن پاکستان است، تاکنون احداث خط لوله گاز را با ابهاماتی مواجه ساخته است.

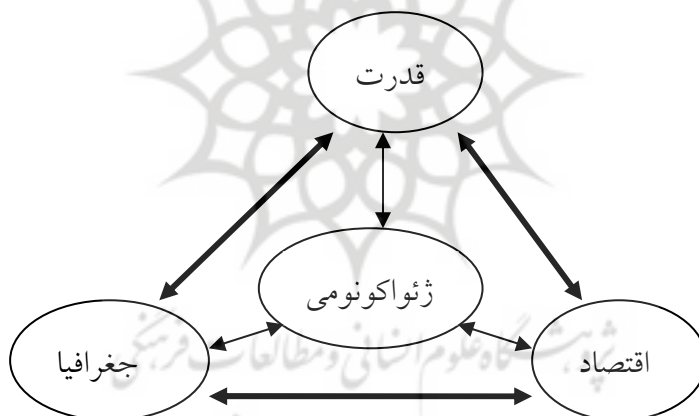
۲- مبانی نظری تحقیق

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تغییرات عمده‌ای در حوزه مفهومی ژئوپلیتیک روی داد. به گونه‌ای که ژئوپلیتیک از رهیافت نظامی و ژئواستراتژیک، رویکردی ژئواکونومیک یافت. ادوارد ان. لوتواک^۲ در سال ۱۹۹۰م. پارادایم ژئواکونومی را با مفهوم گسترده وارد علوم جغرافیایی و سیاسی کرد (لوتواک، ۱۹۹۰: ۲۸۹). وی خبر از آمدن نظام جدید بین‌المللی در دهه نود داد که در آن عوامل اقتصادی جایگزین اهداف نظامی می‌شوند و عامل درگیرها دیگر موضوعات دوران گذشته نیست بلکه در کنار هر تنشی یک عامل اقتصادی خودنمایی می‌کند (کمپ، ۱۳۸۳: ۱۰۷). اما این به معنای حل و فصل بحرانهای ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی میان دولتها و ملتها نیست؛ زیرا که بحرانهای و اختلافات ژئوپلیتیکی از پایداری و تداوم نسبی برخوردار بوده و بسادگی قابل حل و فصل نیستند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۸). بازیگران سیاسی و دولتمردان بتنهایی نمی‌توانند بدون پشتوانه ملی و مردمی ارزشهای هویتی مادی و معنوی مورد اختلاف میان دو یا چند دولت - ملت به نفع مصالحه اقتصادی تغییر دهند. حتی در صورت عملیاتی‌شدن

1. Geo-Economical Realm
2. Edward N. Luttwak

این امر به وسیله حاکمان سیاسی، ارزشهای ازدست رفته را در اذهان مردم باقی خواهد ماند و منشأ بسیاری از نابسامانیها خواهد شد. از این رو موضوع اقتصاد و بازرگانی بتنهایی قادر به حل این اختلافات نیست. تنها زمانی منطق تجارت قادر به اداره امور دنیا خواهد بود که با کاهش اهمیت بر خورداری از قدرت نظامی، رقابت واحدها دارای ماهیتی صرفاً اقتصادی باشند. این قدرتها هستند که سیاستهای اقتصادی را در فضا (نظام جهانی) اعمال و رهبری می کنند و بر ایند این فرایند ژئواکونومی است که به عنوان پدیده‌ای سیال جهت پوشش دادن به فضای جدید رقابتی در نظام جهانی و روشی برای توجیه و تحلیل سیاستهای جهانی اکثر قدرتهای غربی در آمده است (طباطبائی، ۱۳۸۳: ۲۵).

ژئواکونومی از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته است و به نظر می رسد سیاست که عاملی مهم در ژئوپلیتیک بوده، جای خود را به اقتصاد داده است (شکل ۱).



شکل ۱ دیاگرام ژئواکونومی (از مدل ژئوپلیتیکی حافظ نیا گرفته شده است).

اما این موضوع به این معنا نیست که ژئواکونومی چیزی غیر از ژئوپلیتیک و یا در برابر ژئوپلیتیک است بلکه ژئواکونومی جزئی از ژئوپلیتیک و یکی از اندیشه‌های ژئوپلیتیک در عصر حاضر می باشد.

۳- روش انجام تحقیق

این تحقیق به دنبال آزمون و ارزیابی فرضیه زیر است که عبارت است از: همکاریهای اقتصادی ایران، هند و پاکستان در قالب پروژه خط لوله گاز می‌تواند چالشهای ژئوپلیتیکی میان سه دولت را به نفع منافع اقتصادی حل و یا تضعیف کند. اطلاعات مورد نیاز برای انجام تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اینترنتی گردآوری شده است و سعی شده است تا معتبرترین و جدیدترین اطلاعات آماری و غیر آماری از مراکز مطالعاتی بین‌المللی و منطقه‌ای استفاده شود. به منظور ارزیابی و آزمون فرضیه مذکور و تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

۴- یافته‌های تحقیق

اطلاعات گردآوری شده در دو بخش خلاصه شده است: ابتدا به چشم انداز انرژی ایران، هند و پاکستان در بخش گاز طبیعی و جایگاه گاز طبیعی در برنامه‌ریزیهای سه دولت و سپس به سیر تحول خط لوله گاز ایران - هند پرداخته شده است.

۴-۱- چشم‌انداز گاز طبیعی و نقش آن در برنامه‌ریزیهای سه دولت

۴-۱-۱- هند

نیاز فزاینده به منابع انرژی در هند ناشی از صنعت‌گرایی و شهرنشینی شتابدار است. در حال حاضر منابع تأمین انرژی هند ذخایر زغال سنگ داخلی و واردات نفت است. با کاهش منابع زغال سنگ و آلاینده‌گی این ماده انرژی‌زا، واردات نفت هند از ۴۰ درصد در سال ۱۹۸۵-۱۹۸۶م. به ۶۶ درصد در سال ۱۹۹۹م. افزایش یافت. بودجه واردات نفت هند از ۶/۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۸-۱۹۹۹م. به ۱۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰-۲۰۰۱م. افزایش یافت (The hindu, 2001). بنابراین رشد ۷۰ درصدی در پایان این دهه مشاهده می‌شود. این مقدار در سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶م. بمراتب بیشتر شده است. در نتیجه به‌طور عملی افزایش سریعی در کسری بودجه نفت در تجارت هند مشاهده شد. در حدود نیمی از رکود تجاری این کشور به کاهش واردات نفت نسبت داده شد. افزایش قیمت نفت دورنمای رشد اقتصادی هند برای رسیدن به نرخ رشد سریع ۷-۸ درصد را به تعویق می‌اندازد. هند برای رسیدن به نرخ رشد بالا و تداوم آن، نیازمند تأمین انرژی بلند مدت است. از این رو تغییر معناداری در سیاست انرژی هند از اتکا به واردات نفت

خام به وجود آمده است.

در این کشور میان انرژی و توسعه اقتصادی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. اگر رشد اقتصادی به ۷ درصد برسد، نیاز به انرژی تا نزدیک ۱۰ درصد به طور سالیانه افزایش خواهد داشت. هند در حال حاضر حدود ۷۰ درصد از انرژی الکتریسته خود را از نیروگاههای با سوخت زغال سنگ و در حدود ۲۰ درصد از نیروگاههای آبی، گازی، نفتی، و هسته‌ای تأمین می‌کند (South Asia Regional Overview, 2001: 20). به هر حال نشانه‌های رکود تولید زغال سنگ و نفت خام و برآورد افزایش مصرف انرژی بلند مدت هند نشانگر آن است که انرژی افزوده مورد نیاز را باید از منابع انرژی همسایگان استفاده کند. از میان راههای افزایش انرژی، منابع انرژی آبی و هسته‌ای قادر نیست با شتاب تقاضا برای انرژی برق بسرعت جایگزین زغال سنگ و نفت شوند لذا هند گاز را به عنوان «سوخت برگزیده»^۱ برای انرژی برق آینده خود انتخاب کرده است.

توسعه اقتصادی سریع هند موج بزرگی از تقاضا برای گاز طبیعی به وجود آورد که زمینه‌ساز افزایش مصرف گاز طبیعی در هند است. پیش‌بینی می‌شود مصرف گاز طبیعی هند از ۲۸ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۲م. به ۴۵ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۱۰م. و به ۱۱۰ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۳۰م. برسد که رشد ۵ درصدی تقاضا برای گاز، هند را در ردیف چند کشور برتر دنیا در این شاخص قرار داده است (IEA, 2004: 130). با توجه به این موضوع روشن است که گاز طبیعی سوخت مناسبی در آینده هند خواهد بود. اگرچه سهم گاز طبیعی ۷ درصد از مصرف انرژی در سالهای ۱۹۹۷-۱۹۹۸م. به حساب آمده است، اما تا سال ۲۰۳۰ مصرف گاز طبیعی تا ۲۰ درصد افزایش پیدا خواهد کرد. به هر حال منابع گاز هند محدود است و به طور شگفت‌انگیزی تقاضا برای گاز در این کشور افزایش پیدا می‌کند. تولیدات گاز هند فقط ۲۰۰۰۰ مگاوات برق تولید می‌کند که این ۲۰ درصد از نیازهای انرژی این کشور را تأمین می‌کند (Diwanji, 2000). هند برای مقابله با این کسری مجبور به واردات گاز طبیعی از طریق خط لوله است. از این رو هند پیشنهاد خط لوله‌های گاز از کشورهای نظیر بنگلادش، ایران، عمان، قطر، میانمار و ترکمنستان بررسی می‌کند. علاقه‌مندی هند به مقوله پروژه‌های خط لوله گاز متأثر از عوامل زیر است:

۱- هدف هند تنوع بخشی به سوخت به منظور کاهش نقش غالب نفت و زغال

سنگ است.

۲- تنوع بخشی به منابع، هند را برای افزایش راههای تأمین انرژی ترغیب کرده است. از آنجایی که بیشتر منابع انرژی هند از منطقه خاورمیانه است هر تحول سیاسی خواه در خاورمیانه و خواه در هند بر مشکلات امنیتی هند در بخش انرژی می افزاید. سیاست خاورمیانه‌ای هند در ۵۰ سال گذشته ایجاد اطمینان از ثبات جریان نفت بوده است. از آنجا که هند به کشورهای آسیای مرکزی به عنوان منابع جایگزین انرژی توجه دارد، کاهش وابستگی به انرژی وارد شده از کشورهای خاورمیانه را نیز مد نظر قرار داده است تا به این ترتیب تأثیرپذیری خود را از بحرانهای منطقه‌ای کاهش دهد.

۳- هند به دنبال استخراج منابع ارزان انرژی است. لذا برخلاف تجارت نفت که به وسیله سازمان اوپک تنظیم می‌شود، گاز طبیعی از چنین قاعده‌ای مستثنا است. بنابراین زمان زیادی در ثابت نگه داشتن قیمت گاز طبیعی در قراردادهای طولانی مدت وجود دارد.

هند تاکنون چهار خط لوله انتقال گاز را بررسی کرده است (جدول ۱) که منشأ یکی از آنها در آسیا مرکزی است. هند در پروژه خط لوله بنگلادش - هند تنها مصرف‌کننده انرژی است و در پروژه‌های دیگر مصرف‌کننده نهایی می‌باشد. ثبات این پروژه‌ها به نقش مصرف‌کنندگی هند بر می‌گردد تا پایداری دراز مدت این پروژه‌ها تأمین شود. با اینکه هند گزینه‌های پروژه خط لوله زیادی دارد، اما خط لوله ایران توجه بیشتر زمامداران هندی را جلب نموده است؛ زیرا علاوه بر ذخایر عظیم و پایداری منابع گازی ایران، از تنگناهای اقتصادی و تجاری کمتری برخوردار است.

جدول ۱ خط لوله‌های گاز پیشنهادی به هند و پاکستان*

شماره	نام پروژه	نام کنسرسیوم	مسافت km	هزینه به میلیارد دلار	میزان انتقال گاز (BCF)	مسیر
۱	ایران - هند	نامعلوم	۲۶۷۰	۵	۳/۲	نامعلوم
۲	قطر - پاکستان	پترولیوم کری سنت ^۱	۱۶۱۰	۵-۴/۵	۱/۶	دریای
۳	ترکمنستان - پاکستان	گاز سنت ^۲	۱۴۴۰	۱/۷	۲-۱/۵	زمینی
۴	بنگلادش - هند	یونکال ^۳	۱۳۶۳	۱/۲	۰/۵	زمینی

* (BCF) میلیارد فوت مکعب

1. Crescent Petroleum
2. Cent Gas
3. Unocal

۴-۱-۲- ایران

اگرچه ایران دارای دومین ذخایر تثبیت شده گاز جهان (۸۱۲ تریلیون فوت مکعب) است، اما درآمد سالیانه ناشی از فروش گاز ایران کمتر از یک میلیارد دلار می‌باشد (ترازنامه انرژی، ۱۳۸۲: ۱۶۴). ایران تلاش می‌کند اقتصاد عقب مانده ناشی از هشت سال جنگ با عراق که در نتیجه آن صادرات گاز را به طور کامل برای ۱۰ سال متوقف کرده بود، بازسازی کند. ایران برای صادرات گاز به بازارهای بالقوه‌ای نظیر چین، هند و اروپا برای توسعه و تجهیز اقتصاد خود از طریق بهره‌برداری از ذخایر کشف‌شده گاز، برنامه‌ریزی بلند مدت کرده است.

اما صنعت نفت و گاز ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹م. با چالشهای بزرگی مواجه بوده است. قانون تحریم ایران- لیبی^۱ یا داماتو به عنوان بزرگترین مانع در سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز ایران به حساب می‌آید. ایالات متحده برای رسیدن به هدف استراتژیکی خود در تأمین انرژی ملی و بین‌المللی، انزوای اقتصادی و ژئوپلیتیک ایران را ضروری می‌داند. متأثر از انزوای ژئوپلیتیک و تحریمهای اقتصادی ایران، صنعت نفت و گاز طبیعی این کشور سرمایه و تکنولوژی لازم را جذب نکرده است. ایران در مقام کشوری با ذخایر عظیم نفت و گاز، به رغم دعوت مکرر از سرمایه‌گذاران بخش صنعت نفت و گاز طبیعی جهان تجربه موفق نداشت است. همچنین اقدامات ایران برای اعمال نفوذ در منطقه آسیای مرکزی و خاورمیانه روی هر دو منطقه خلیج فارس و دریای خزر به وسیله آمریکا به بن بست رسیده است (Nanay, 2001: 106). در نتیجه اعمال قوانین ایالات متحده سرمایه‌گذاری در طرحهای انرژی ایران را دشوار می‌کند.

ایران به جستجوی شریکی در خارج از منطقه برای بهره‌برداری از منابع انرژی‌اش تلاش می‌کند. ایران از طریق روابط جدید فعالانه تلاش ایالات متحده را کم اثر کرده است. اگرچه قانون داماتو توسعه زیرساختی صنایع نفت و گاز ایران را تحت تأثیر قرارداد، اما این قانون مانع تجارت منابع گاز طبیعی ایران نشده است. ایران برای مقابله با نفوذ رو به رشد ایالات متحده در منطقه و به منظور بازیافت نفوذ خود در منطقه، به دنبال شریکهایی برای تجارت ذخایر گاز طبیعی می‌باشد. تلاشهای ایالات متحده برای منزوی کردن و کاهش نفوذ ایران در منطقه با توافق خط لوله ایران- ترکیه به طور چشمگیری کاهش پیدا کرد. قرارداد مذکور - صادرات گاز طبیعی ایران به ترکیه - در نتیجه اقدامات موفقیت‌آمیز ایران، تلاشهای ایالات متحده در طراحی خط لوله گاز

1. ILSA: Iran Libya Sanctions ACT

ماورای دریای خزر برای انتقال گاز ترکمنستان از طریق دریا به آذربایجان و سپس به ترکیه را بی‌اثر ساخته است.

صنعت گاز طبیعی ایران، برای صادرات گاز روسیه، قطر و ترکمنستان چالش‌های ژئواکونومی جدیدی به وجود آورده است. کشورهای منطقه جهت مذاکره در خصوص پروژه‌های خط لوله گاز طولانی مدت وارد عمل شده که این موضوع خود زمینه‌ساز رقابت شدید ژئواکونومی در پروژه‌های خط لوله گاز شده است. ایران به منظور صادرات گاز طبیعی مازاد خود به هند و عدم انجام پروژه بهتر از طرف عمان و قطر، روابط تجاری دو جانبه بلند مدت پیشنهاد کرده است. تدابیر مرتبط با امکان سنجی انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی به منطقه جنوب آسیا، تمایلات ایران در اجرای خط لوله را بیشتر کرده است.

ایران خواستار ایجاد سامانه‌ای چند قطبی با روسیه، چین و هند است. ایران معتقد است که ضلع قدرت ناشی از کناره‌گیری روسیه باید به وسیله کشورهای منطقه پر شود و خواستار حضور قدرتهای منطقه‌ای چون هند برای جلوگیری از سلطه ابرقدرتها در منطقه استراتژیک شد (Pandian, 2005: 665 & 666). در این باره ایران معتقد است که رابطه با دهلی نو یکی از کارآمدترین راههای تضعیف استراتژی ایالات متحده در برابر ایران است. ایران بر این باور است که دهلی نو می‌تواند نقش مهمی در شکست هژمونی ایالات متحده در منطقه از طریق مقابله با تحریمهای ایالات متحده ایفا کند. علاوه بر آن تمایلات ایران و هند در ترانزیت کالا با کشورهای آسیای مرکزی از طریق بندرعباس به عنوان بندر وارداتی مشترک می‌باشد.

ایران تلاش می‌کند تا از فرصتهای پیشنهادی از طرف اقتصاد نوظهور هند به عنوان یکی از بزرگترین و نزدیکترین بازارها استفاده کند. برای صنعت گاز طبیعی ایران، نیاز بازار هند به انرژی، موضوع کاملاً مشخصی است. اگر هند ۳۰ میلیون متر مکعب گاز روزانه از ایران بخرد، این میزان فقط ۱۰ درصد از تولیدات گازی ایران است (Takin, 1999: 27). به منظور احداث پروژه خط لوله گاز ایران- هند، حمایت‌های مالی زیادی برای بهسازی تأسیسات زیربنایی نفت و گاز همراه با سرمایه‌گذاری بیشتر برای تأسیسات جدید پیشنهاد شده است.

۴-۱-۳- پاکستان

افزایش تقاضا برای گاز در پاکستان علاقه برای پروژه‌های خط لوله‌گاز از کشورهای

همسایه ایجاد کرده است. بر اساس آمارهای BP در سال ۲۰۰۶م. تقاضا برای گاز طبیعی در چند سال آینده با منابع محدود پاکستان به طور فزاینده‌ای پیش‌بینی شده است (جدول ۲). اگر که منابع جدیدی در سالهای آینده در پاکستان کشف نشود نیاز به انرژی فقط از طریق واردات می‌توان جبران کرد.

جدول ۲ تقاضا گاز طبیعی در پاکستان (برحسب میلیارد مترمکعب در روز)*

سال	تقاضا	سال	تقاضا
۲۰۰۴	۶/۷۰	۲۰۱۳	۶۹/۵۰
۲۰۰۷	۱۶/۷۲	۲۰۱۸	۱۳۵/۴۱

* Reference: <http://www.bp.com/statisticalreview/2006>

پاکستان برای تأمین انرژی مورد نیاز پروژه‌های خط لوله متنوعی در نظر دارد. در این باره پاکستان برای ایجاد پروژه‌های خط لوله گاز ترکمنستان- پاکستان و قطر- پاکستان تلاش می‌کند. پروژه خط لوله ترکمنستان- پاکستان به طول ۱۴۴۰ کیلومتر و به ارزش ۱/۵ میلیارد دلار از حوضه‌های گازی دولت آباد ترکمنستان به شهر مولتان در پاکستان از طریق افغانستان، انتقال ۱/۵-۲ میلیارد فوت مکعب گاز در روز پیش‌بینی شده است (Pandian, 2005: 666). پاکستان موافقت خود را در مورد این خط لوله تا بندر گوادر جایی که تأسیسات LNG زمینه را برای صادرات گاز به کشورهای شرق دور فراهم است، اعلام داشته است. اگرچه این پروژه به لحاظ تجاری امکانپذیر است، اما تاکنون هیچ کنسرسیومی برای پروژه خط لوله «سنت گاز» به دلیل جنگهای داخلی، بی‌ثباتی سیاسی و ارتفاعات صعب العبور هندوکش در افغانستان وارد عمل نشده است. قبل از این قرارداد پاکستان پیمانی را با شرکت پترولیوم قطر در سال ۱۹۹۲م. به منظور انتقال گاز از گنبد شمالی به بندر کراچی پاکستان امضا کرده بود. بر اساس پیمان مذکور خط لوله‌ای به طول ۱۶۱۰ کیلومتر در کف دریا در امتداد خط ساحل ایران- پاکستان تا حیوانی در نزدیکی کراچی به ارزش ۳/۲ میلیارد دلار انتقال ۱/۶ میلیارد فوت مکعب در روز پیش‌بینی شده بود (Ibid). اگرچه پاکستان در آستانه امضای پیمان خرید گاز از قطر بود، اما به خاطر ضعف مالی و عدم اطمینان از تقاضا کافی رو به رشد، تکمیل پروژه در کوتاه مدت غیرممکن می‌نمود. به هر حال این پروژه نیز عملیاتی نشد. پاکستان به این باور است که افزایش تولیدات گاز داخلی با رشد کم تقاضا نسبت به

پیش‌بینی دولت پاکستان، پروژه خط لوله گاز به لحاظ اقتصادی توجیه‌پذیر نیست لذا کشور قادر نیست واردات گاز را جذب کند. علاوه بر آن ساختار موقعیت مالی ضعیف پاکستان، تأمین اعتبار برای پروژه‌های خط لوله را مشکل کرده است. پروژه‌های خط لوله نفت و گاز برای پاکستان توجیه اقتصادی نخواهد داشت مگر اینکه مقصد خط لوله، کشور هند که بزرگترین بازار مصرف جنوب آسیا برای گاز طبیعی است، باشد.

پروژه‌های خط لوله گاز مخصوص پاکستان نظیر ترکمنستان- پاکستان، قطر- پاکستان و ایران- پاکستان به لحاظ اقتصادی مناسب نیست. از این نظر پروژه خط لوله ایران- هند توجیه اولیه آن به لحاظ اقتصادی فروش گاز به هند است و پاکستان مشتری فرعی به حساب می‌آید. در اواسط سال ۲۰۰۰ دولت پاکستان تصریح کرد که اجازه می‌دهد منابع عظیم گاز ایران به وسیله خط لوله از طریق سرزمین پاکستان به هند ارتباط پیدا کند. پاکستان قادر خواهد بود از طریق این خط لوله حق ترانزیت و خرید گاز با نرخ ارزان را دریافت کند. سه عامل در پاکستان، دولت نظامی را برای تجدید نظر در دیدگاهش در ارتباط با پروژه خط لوله را مجبور کرده است:

۱- میل پاکستان در بهره‌برداری از موقعیت استراتژیکی خود است. موقعیتهای استراتژیکی پاکستان منفعت زیادی به لحاظ اینکه کشور گذرگاهی است بر تجارت آینده انرژی در منطقه خواهد داشت از این منظر منزلت ژئوپلیتیکی این کشور افزایش خواهد یافت.

۲- منافع اقتصادی این پروژه پاکستان را وسوسه کرده است. احداث خط لوله گاز، ۱۴ میلیارد دلار در ۳۰ سال برای پاکستان درآمد ارزی دارد که از این درآمد ۸ میلیارد دلار از حق ترانزیت، یک میلیارد دلار از مالیات و ۵ میلیارد دلار از سرمایه‌گذاری می‌باشد (The Nation, 2001). همچنین کسب انرژی ارزان برای تغذیه رشد صنعت عقب مانده خود مزید بر علت است. پاکستان فقط با ۳۹ تریلیون فوت مکعب ذخایر تثبیت شده گاز (BP, 2006) مجبور به واردات گاز از کشورهای همسایه است.

۳- احداث خط لوله عاملی برای جبران کمبود چاههای نفت پاکستان است. پاکستان مانند هند از کمبود چاههای نفت رنج می‌برد. کسب گاز ارزان از ایران و مشارکت در پروژه خط لوله، کشور پاکستان براحتی می‌تواند بنیاد سوخت را برای نیروگاههای تولید انرژی خود تغییر دهد.

با توجه به منافع مهم ایران و پاکستان در پروژه، این دو کشور جدیت زیادی را برای احداث آن از سرزمین پاکستان نشان می‌دهند، اما هند برای ادامه همکاری بی‌میل به

نظر می‌رسد؛ زیرا که تهدید خط لوله در سرزمین پاکستان امنیت انرژی هند را به خطر می‌اندازد.

۴-۲- سیر تحول خط لوله گاز ایران - هند

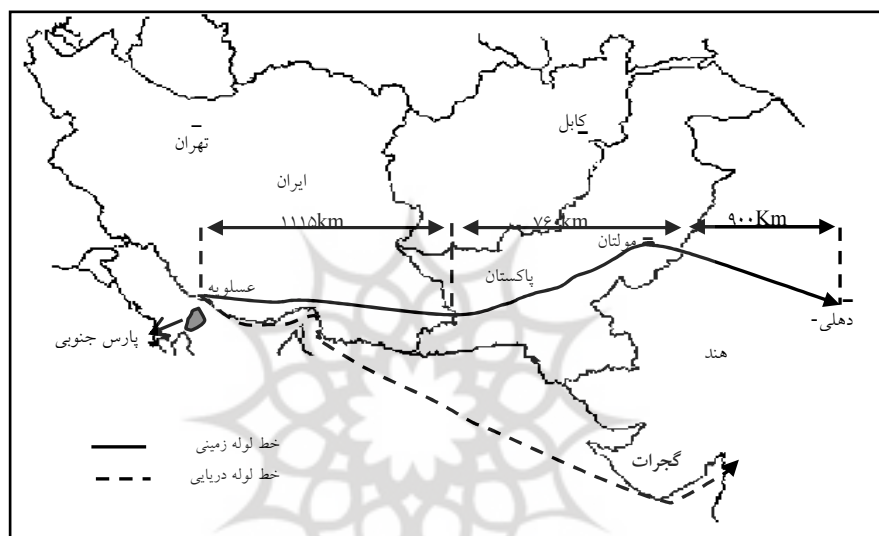
پروژه خط لوله زمینی ایران - هند اولین بار در سال ۱۹۸۹م. به وسیله علی شمس اردکانی سفیر ایران در هند و راجندرا پاچاوری^۱، رئیس مؤسسه تحقیقات انرژی هند^۲، پیشنهاد داده شد. در آن زمان رابطه هند با ایران و پاکستان سرد بود و دوطرف با عدم استقبال پاکستان روبرو شدند. بعد از بحث‌های امکان‌سنجی پروژه خط لوله گاز در حدود ۴ سال، سرانجام هندیها در سال ۱۹۹۳م. یادداشت تفاهمی با ایران به امضا رساندند. این تفاهم با کشف منابع گاز طبیعی در عمان و بنگلادش و توسعه سیاسی در میانمار مقارن شد. در سال ۱۹۹۴م. هند با عمان توافقنامه‌ای برای ورود گاز از طریق خط لوله از بستر دریا امضا کردند که این پروژه به علت هزینه بری سنگین و ناتوانی عمان در تأمین نیازهای بلند مدت هند عملی نشد (Alexander's Gas & Oil Connections, 2000). اگرچه پروژه خط لوله گاز از بنگلادش و میانمار از نظر اقتصادی امکان‌پذیر بود و نیازهای کوتاه مدت هند را پاسخ می‌داد، اما نمی‌توانست پاسخگوی نیازهای انرژی بلند مدت این کشور باشد به همین دلیل هند ترجیح داد گاز را از ایران وارد کند. تمایل هند به پروژه پیشنهادی انتقال گاز از ایران به هند بر این اساس بود که این پروژه می‌تواند به اهداف بلند مدت هند بسیار بهتر از دیگر گزینه‌ها پاسخگو باشد. همچنین نزدیک بودن و گستردگی ذخایر گاز، دلیل دیگری برای تمایل هند به گاز ایران است. ایران ۱۴/۹ درصد منابع گاز جهان را در اختیار دارد که با نرخ کنونی مصرف تا ۵۰۰ سال آینده کفایت می‌کند. نیاز به ذکر است که منابع گاز طبیعی عظیم ایران می‌تواند نیازهای گاز هند را تا ۲۰۰ سال تأمین کند (Takin, 1999: 27).

گزینه‌های پیشرو برای پروژه خط لوله گاز ایران - هند عبارت است از:

- ۱- خط لوله زمینی؛ ۲- خط لوله بستر دریا؛ ۳- خط لوله معلق در دریا (شکل ۲).
- مسیرهای پروژه خط لوله با تدابیر راهبردی مشخص، امکان‌سنجی اقتصادی و فناوری پیچیده عملی است. برای هند صرف امکان‌سنجی اقتصادی کافی نیست بلکه پشتوانه مداوم گاز مد نظر است.

1. Rajendra Pachauri
2. Tata Energy Research Institute (TERI)

بنابراین روشن است که برای هند ثبات و امنیت پروژه خط لوله گاز، بسیار مهمتر از مشکلات اقتصادی و فناوری پیچیده است. این در حالی است که بعد اقتصادی طرح مذکور برای ایران در انتخاب مسیر پروژه خط لوله از جذابیت بیشتری برخوردار است. بر اساس مطالعه مؤسسه BHP^۱ انتقال گاز از طریق خط لوله برای هند ۱۰ میلیارد دلار در ۲۵ سال صرفه‌جویی اقتصادی به دنبال دارد (BHP, 2002: 15).



شکل ۲ مسیرهای پیشنهادی خط لوله گاز ایران - هند (Samson, 2004)

احتمالاً خط لوله گاز ایران بهترین گزینه برای تأمین انرژی بلند مدت هند است. گرچه هند در سالهای اولیه به پروژه خط لوله گاز از طریق پاکستان علاقه‌مند بود و این در حالی بود که در سیستم اداری پاکستان بویژه از جانب ارتش و سازمان امنیتی با مخالفت مواجه شد. دولت‌های بعدی نیز دیدگاه خود را به دلیل ترس از تغییر اصول سیاسی که مخالف با عبور خط لوله از پاکستان بود، عوض نکردند. دلیل واقعی عدم اشتیاق پاکستان به حضور در پروژه خط گاز ایران - هند، اختلافات و تنشهای ایدئولوژیکی و سرزمینی و چالشهای ژئوپلیتیکی برآمده از آنها با هند بود. از این رو پاکستان نمی‌خواست که با اجرای پروژه خط لوله از طریق خاک خود عاملی جهت

پیشبرد روابط دراز مدت ایران و هند و تأمین‌کننده منافع ملی دشمنه دیرینه‌اش باشد. پاکستان در سال ۱۹۹۵ اجازه نداد که یک مطالعه امکان‌سنجی در منطقه ویژه اقتصادی^۱ خود انجام شود. نیروی دریایی پاکستان مخالفت خود را با عبور خط لوله از منطقه ویژه اقتصادی که ۲۰۰ کیلومتر از ساحل فاصله دارد اعلام کرد؛ زیرا چنین خط لوله‌ای موجب حضور نیروی دریایی هند در آبهای پاکستان می‌شد (Naaz, 2001: 235). به هر حال پاکستان تحقیقاتی را که به عنوان بخشی از مطالعه امکان‌سنجی انجام می‌شد، متوقف کرد. به این ترتیب این پروژه در مراحل ابتدایی باقی ماند. هند با در نظر گرفتن اینکه نیاز انرژی خود نمی‌تواند در بند مشکلات چندگانه‌اش باشد، راه‌های جدیدی برای دسترسی به انرژی جستجو کرد. ایران با مشاهده عدم رقبت پاکستان به مشارکت در خط لوله ایران - هند امکان کشیدن خط لوله از طریق دریا و به دور از خاک پاکستان را بررسی کرد. همچنین پیشرفتهای تکنولوژیکی لوله‌گذاری آبهای عمیق که قرار دادن خط لوله در عمق ۲۰۰۰ متری را امکانپذیر می‌کرد، علاقه-مندی ایران بر انتقال خط لوله گاز از مسیر دریا را از نو زنده کرد (True, 1999: 53). انتخاب مسیر آبهای عمیق، جایگاه پاکستان در مناسبات ژئواکونومی منطقه‌ای به چالش کشاند. انتخاب عبور خط لوله از اعماق دریا، پاکستان را از درآمدهای ترانزیت و دسترسی به گاز ارزان محروم می‌کرد. با اینکه بخشی از انرژی پاکستان به وسیله منابع داخلی تأمین می‌شود، اما تأمین نیازهای طولانی مدت این کشور نیازمند واردات گاز است. از طرفی خط لوله به مقصد پاکستان صرفه اقتصادی ندارد و رشد تقاضای پاکستان برای گاز طبیعی در دراز مدت کم است لذا پاکستان باید به خط لوله‌هایی که به هند می‌روند، اتکا کند. در همین حال تغییراتی در سیاست پاکستان و دیدگاه‌های آنها در مورد عبور خط لوله از پاکستان به وجود آمد. از آنجا که اقتصاد پاکستان به دلیل بحران مالی رو به ضعف گراییده بود، ژنرال مشرف که قدرت را از طریق کودتا در پاکستان به دست گرفته بود، موافقت خود را با عبور خط لوله از سرزمین پاکستان اعلام کرد. پاکستان نیازمند به منبع مطمئن گازی از سال ۲۰۰۵م. است؛ زیرا منابع داخلی از این سال به بعد توان تأمین نیازهای داخلی را ندارد (Siddiqi, 2000: 5). همچنین دولت نظامی پاکستان به پیشنهاد خط لوله ایران - هند با توجه به بی‌ثباتی سیاسی، ناامنی و ارتفاعات صعب‌العبور هندوکش افغانستان که اجازه نمی‌داد خط لوله ترکمنستان ساخته شود، علاقه نشان داد. بنابراین دولت نظامی پاکستان منافع اقتصادی برآمده از

1. Exclusive Economic Zone (EEZ)

احداث پروژه خط لوله را بر منافع سیاسی ترجیح داد؛ اگرچه این تصمیم بر خلاف علایق ملی و ژئوپلیتیکی پاکستان بود. پاکستان پذیرفت که زمینه‌های ترانزیت خط لوله زمینی را فراهم کند و این پیشنهاد در تهران در حین بازدید مشرف از ایران در سال ۱۹۹۹م. احیا شد. ژنرال مشرف و وزیر خارجه‌اش ستار این پیشنهاد را به عنوان موقعیتی برای از بین بردن تنش‌های بین تهران و اسلام آباد اعلام کردند (Raman, 2001: 26).

به دلیل روابط نامناسب هند و پاکستان پروژه عبور خط لوله ایران به هند از طریق پاکستان بارها با مشکل مواجه شد و از طرح‌های اولیه جلوتر نرفت. بعد از اینکه پاکستان علاقه‌مندی خود را در مشارکت خط لوله نشان داد، ایران تلاش کرد تا پاکستان را به عنوان شریک پروژه در نظر بگیرد تا ترانزیت با صرفه زمینی گاز امکانپذیر شود. این در حالی بود که هند مخالف نقش پاکستان در مقام شریکی برابر بود؛ زیرا ترس آن را داشت که به هنگام تنش نظامی با پاکستان سد راه انتقال گاز شود. ایران با توجه به عدم تمایل هند به احداث خط لوله ساحلی، علاقه‌مندی خود را به کشیدن خط لوله در اعماق دریا از بندر عسلویه به ساحل گجرات هند ابراز داشت، اما هزینه‌های گزاف و ضعف ساختار تکنولوژیکی و فنی، این پروژه را نیز متوقف کرد.

پروژه خط لوله گاز ایران - هند به لحاظ امنیت پروژه در سرزمین پاکستان، هند را نگران کرده است. اگرچه پاکستان ملزم به تأمین امنیت خط لوله گاز است، اما پاکستان از پذیرفتن نیروهای نظارتی هند بر خط لوله در سرزمین پاکستان سرباز می‌زند. لذا هند در این رابطه با پاکستان به طور احتیاط آمیز برخورد می‌کند. به منظور کاهش نگرانیهای امنیتی هند در پاکستان راه‌های گوناگونی پیشنهاد شده است. پانچاوری مشارکت مؤسسات مالی از قبیل بانک جهانی^۱، بانک توسعه آسیا^۲، سازمانهای مالی بین‌المللی و بخش خصوصی در سرزمین هر دو کشور هند و پاکستان پیشنهاد کرد. مقامات رسمی در پاکستان نیز مشارکت نهادهای مالی بین‌المللی به استثنای شرکتهای نفتی بین‌المللی برای اجرای این پروژه طبق توافقات بین‌المللی که هیچ یک از اعضا نتوانند آن را نقض کنند، خواستار شدند (Pandian, 2005: 663). همان‌طور که گفته شد، هند نگران امنیت طبیعی خط لوله زمینی است. لذا خواستار تعهد ایران است که اگر پاکستان در یک تعارض نظامی باعث توقف گاز در خط لوله شد، ایران بتواند نفت را به

1. World Bank
2. Asian Development Bank

نرخ گاز برای هند تأمین کند. ایران در پاسخ به این موضوع، یک توافق سه جانبه بین هند، ایران و پاکستان با حضور سازمانهای مالی بین‌المللی از قبیل بانک جهانی، بانک توسعه آسیا به عنوان ضامن پیشنهاد کرد (Ibid: 664). ایران همچنین نظارت کنسرسیوم بین‌المللی برای جلوگیری از کنترل یک جانبه و قطع منبع انرژی در طی مشاجره سیاسی دوطرف را پیشنهاد کرد. در عین حال هند مانع از توافق بین ایران و پاکستان شد و پیشنهاد کرد پروژه خط لوله گاز به طور انحصاری بین تهران و دهلی نو باشد.

۵- تجزیه و تحلیل

پروژه خط لوله گاز ایران- هند- پاکستان، پتانسیلهای زیادی دارد. تکمیل پروژه برای هر سه دولت منافع مهمی در بر خواهد داشت. برای ایران منفعت پروژه در دو زمینه است. این پروژه نه تنها تلاشهای آمریکا برای به انزوا کشیدن ایران به لحاظ اقتصادی و ژئوپلیتیکی تقلیل می‌دهد؛ بلکه اقتصاد ایران به طور قابل ملاحظه‌ای توسعه می‌یابد. منافع پروژه خط لوله گاز برای هند همانند ایران طولانی مدت است. ایران با ذخیره عظیم گاز طبیعی توانایی تأمین نیازهای انرژی رو به رشد هند را دارد، اما هند از مؤلفه‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر پروژه که منافع اقتصادی این کشور را به چالش می‌کشد، آگاه است.

روابط بین هند، ایران و پاکستان در گذشته پیچیده و متنازع بوده است. روابط ایران با هند در گذشته همانند پشتیبانی ایران از پاکستان در کشمیر در عرصه‌های بین‌المللی مختلف چندان خوشایند نبوده است. اما در عصر کنونی دیدگاه ایران برای حل و فصل قضیه کشمیر به دنبال راهی است که روابط هند با جهان اسلام تیره نشود. عدم ثبات در افغانستان و آثار آن در ساختار منطقه عامل مهمی برای همکاری ایران- هند می‌باشد. سیاست ایالات متحده در انزوای ایران باعث شد تا ایران به دنبال دوستان جدیدی در منطقه باشد. در این باره ایران به تقویت همکاری خود با هند برای خروج از این انزوا تلاش می‌کند. همچنین هند در صورت تأمین نیازهای انرژی خود از منابع دیگر خلیج فارس نیازمند همکاری با ایران است. علاوه بر این ایران دروازه منابع غنی منطقه آسیای مرکزی است، در حالی که هند دست رسی مستقیمی به این منطقه ندارد. در این خصوص، مساعدت ایران برای ساخت کوریدور شمال - جنوب کمک خواهد کرد که هند به جمهوریهای آسیای مرکزی دست پیدا کند. اما توسعه روابط استراتژیکی بین

هند و اسرائیل و ایالات متحده باعث نگرانی ایران شده است؛ زیرا که مواضع ایران با هر دو کشور اسرائیل و آمریکا در تضاد است. از این منظر علایق ژئوپلیتیکی هند، در جهت عکس با ایران است. اگرچه اسرائیل و ایالات متحده با نفوذ ایران در خلیج فارس و جمهوریهای آسیای مرکزی مخالف می‌باشند، اما بعید به نظر می‌رسد که هند برای کاهش نفوذ ایران در منطقه به اسرائیل و آمریکا کمک کند. تنشهای ژئوپلیتیکی و سیاسی میان ایران با ایالات متحده و اسرائیل باعث شده است که ایران از استراتژی هند در برابر همپیمانان آن، یعنی اسرائیل و ایالات متحده ابراز نگرانی کند. بهبودی در روابط هند-اسرائیل و هند-ایالات متحده اثر مهمی روی روابط ایران هند خواهد داشت. تلاش هند برای تجدید همکاری با ایران، اتحاد استراتژیکی خود را با اسرائیل و آمریکا به خطر خواهد انداخت. استمرار روابط هند-ایران به وسیله تغییر نگرش هند به اسرائیل و آمریکا سنجیده خواهد شد. همین طور روابط نزدیک بین ایران و پاکستان متأثر از عوامل خارجی است. با گسترش نفوذ ایالات متحده در منطقه، روابط ایران-پاکستان گرمتر شده است. ایران و پاکستان بر سر مسائل افغانستان در تعارضند. اما تغییر رژیم سیاسی در افغانستان، عامل محرکی در روابط ایران-پاکستان و رابطه ایران-هند تلقی می‌شود.

بی‌ثباتی بین‌المللی پاکستان و اختلافات پاکستان و هند بر کشمیر و جنبشهای جدایی‌طلبانه در ایالت بلوچستان و نقش بازیگران غیر دولتی در پاکستان، امنیت خط لوله را به خطر انداخته است. از این رو هند با عبور خط لوله از سرزمین پاکستان مخالف است. از منظر ژئوپلیتیکی بعید به نظر می‌رسد هیچ تغییر در مواضع پاکستان در ارتباط با کشمیر و دیدگاه مسلمانان پاکستان در برابر هندوها ایجاد شود. بنابراین از منظر استراتژیکی عبور خط لوله از پاکستان منافع اقتصادی هند را به خطر می‌اندازد. اما ارزش استراتژیکی مشخص پروژه برای پاکستان این است که هند نقش پاکستان در پروژه را غیرقابل تحمل می‌داند. بنابراین کشمکشهای هند-پاکستان حل نشده باقی خواهند ماند، پس بعید به نظر می‌رسد هند، مسیر پاکستان را برای خط لوله ایران-هند موافقت کند. در این خصوص مشارکت آژانسهای چند جانبه از قبیل بانک جهانی و بانک توسعه آسیا برای سلامت و امنیت خط لوله پیشنهاد شده است.

پاکستان به‌طور مکرر هشدارهای هند برای به‌کارگیری روش حل و فصل مشاجره^۱ از طریق سازمان تجارت جهانی^۲ برای اتحاد دولتها آسیای جنوبی در سازمان منطقه‌ای

1. Dispute Settlement Mechanism (DSM)

2. World Trade Organization (WTO)

سارک^۱ در لوای اصول قانونی سازمان تجارت جهانی رد می‌کند. با توجه به این تجربه، هند با دقت بیشتری، انتخاب مسیر پاکستان برای پروژه خط لوله ایران- هند گام برخواید داشت. اما منافع اقتصادی گسترده احداث خط لوله گاز، باعث شده است که هند عبور خط لوله گاز از طریق پاکستان ترغیب شود. از طرفی هند آگاه است که پروژه خط لوله نه فقط عوامل اقتصادی است بلکه عوامل استراتژیکی نقش مهمی در پروژه پیشنهادی ایفا می‌کند. این در حالی است که نگاه بسته ایران و پاکستان بر پروژه خط لوله توجه به واقعیت‌های اقتصادی و ژئواکونومی آن است.

هند با توجه به چالشها و موانع پیش روی خط لوله در سرزمین پاکستان خط لوله دریایی را ترجیح می‌دهد. گرچه توجیه اقتصادی کمتری دارد، اما در عوض نقش پاکستان در پروژه کمرنگ خواهد شد. لذا عوامل خطرپذیری در خارج از پاکستان در پروژه کاسته خواهد شد. باید توجه داشت که مسیر خط لوله دریایی نیازی به پرداخت هزینه ترانزیت گاز از جانب هند به پاکستان ندارد. در نتیجه اختلاف هزینه بین دو گزینه تجهیزات گاز از ایران به هند در طولانی مدت اندک است.

۶- نتیجه‌گیری

کاهش تنش‌های ژئوپلیتیکی، عملیاتی ساختن پروژه خط لوله زمینی گاز ایران - هند را محتمل می‌کند. احداث خط لوله واجد برخی منافع اقتصادی برای سه کشور (ایران، پاکستان و هند) است، اما همکاری‌های اقتصادی بتنهایی نمی‌تواند بازدارنده موانع سیاسی، ایدئولوژیک و چالش‌های ژئوپلیتیکی بین ملتها و دولت‌ها باشد. برای نمونه عضویت در سازمان تجارت منطقه‌ای سارک، تنش بین هند و پاکستان در شبه قاره کاهش نداده، همچنان که عضویت در سازمان همکاری اقتصادی اکو^۲ و اتحادیه همکاری منطقه‌ای آرسی دی^۳ سابق، تنش بین ایران و پاکستان را نکاسته است. هند دلایل محکمی در عدم اعتماد به پاکستان در خصوص عملیاتی‌شدن پروژه پیشنهادی دارد. منافع اقتصادی هند در پروژه خط لوله گاز ایران به هند در تضاد با منافع ژئواستراتژی پاکستان است. بنابراین پروژه خط لوله گاز ایران- هند با دشواری می‌تواند منافع پایدار هند و پاکستان را تأمین کند. در این باره بعید به نظر می‌رسد که هند نقش پاکستان در

1. South Asian Association for Regional Cooperation (SAARC)

2. Economic Cooperation Organization

3. Regional Cooperation for Development

پروژه خط لوله گاز ایران- هند را بپذیرد. تضادهای ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک میان هند و پاکستان و تا حدودی با ایران، مسائلی را به وجود آورده که منافع تجاری سه جانبه را متأثر ساخته است.

واکاوی مناسبات سه جانبه هند- پاکستان- ایران نشانگر آن است که این سه کشور نمی توانند روابط ژئواکونومی مسالمت آمیزی را تجربه کنند. به این دلیل که مناسبات خود را به اهداف سیاسی و دیدگاههای ایدئولوژیک محدود می کنند. موفقیت نسبی پروژه خط لوله گاز ایران- پاکستان- هند نیازمند حمایت و ضمانتهای امنیتی صریح دولت پاکستان از همه کشورهای ذینفع است که این با استراتژی پاکستان در ارتباط با هند سازگار نیست. تنشهای سیاسی میان کشورهای مذکور باعث شده که هند بر تداوم پروژه خط لوله از طریق دریا اصرار کند. این مقوله احتمالاً با ناخوشایندی ایران و پاکستان همراه خواهد بود.

۷- قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می دانند از حمایتهای مالی دانشگاه تربیت مدرس برای انجام این پژوهش تشکر و قدردانی به عمل آورند. همچنین از دکتر محمدرضا حافظنیا به خاطر مشاوره و راهنماییهای ایشان برای تنظیم و تهیه این مقاله تشکر می شود.

۸- منابع

- ۱- اتوتایل، ژبروید و دیگران، (۱۳۸۰)، اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم؛ ترجمه محمدرضا حافظنیا و هاشم نصیری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۲- حافظنیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، پاپلی.
- ۳- طباطبائی، زهرا، (۱۳۸۳)، تحلیل ژئوپلیتیکی مسیرهای انتقال انرژی دریای خزر، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، به راهنمایی مجتهدزاده، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۴- لوتواک، ادوارد. ان، (۱۹۹۰)، از ژئوپلیتیک تا ژئواکونومی، مقاله ۱۶ از کتاب اتوتایل، ژبروید و دیگران (۱۳۸۰)، اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم؛ ترجمه محمدرضا حافظنیا و هاشم نصیری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۵- کمپ، جفری و هارکاو، رابرت، (۱۳۸۳)، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه سیدمهدی حسینی متین، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۶- ترازنامه انرژی، (۱۳۸۳)، تهران، انتشارات وزارت نیرو.
- 7- Assured gas supply sought from Iran, (28 June 2001), The Hindu, Bangladesh.
- 8- BHP, Iran-India Gas Pipe Needs "Explicit" Govt Support, (16 January 2002), Iran Expert.
- 9- Diwanji, A.K., (2000), Geo-political issues set to dominate proposed gas pipeline from Iran to India, Rediff, <http://www.rediff.com/business/2000/apr/13gas.htm>.
- 10- Gas pipeline project, (15 June 2001), The Nation.
- 11- <http://www.bp.com/statisticalreview/2006>.
- 12- International Energy Agency (IEA), (2004), World energy outlook, Paris. OESD.
- 13- Iran-Pakistan-India gas pipeline plan stuck in political dilemma, (7 July 2000), Alexander's Gas & Oil Connections, Vol. 5, Issue 12.
- 14- Naaz, F., (2001), Indo-Iranian relations: vital factors in the 1990s. Strategic Analysis XXV (2) 2001, 227-241.
- 15- Nanay, J., (2001), Prospects for alternative export routes for Caspian oil: Turkey, Iran, and China. Middle East Economic Survey (Nicosia: Cyprus), Vol. XLIV, No. 38.
- 16- Pachauri, R.K., (19 April 2001), On Track with Teheran: shift in India's West Asia strategy, The Times of India.
- 17- Pandian, S., (2005), "The political economy of trans-Pakistan gas pipeline project: assessing the political and economic risks for India", Energy Policy, Vol. 33.
- 18- Raman, B., (2001), Liberalization, but not normalization, South Asia Analysis Group: Madras, Paper No. 272.
- 19- Samson, Paul., (2004), proposal Iran to India overland Gas pipeline: project overview, India Oil & Gas Conference, Vice president, BHP Billiton.
- 20- Siddiqi, K., (23 April 2000), Indians lose interest in gas pipeline project. Dawn.
- 21- South Asia Regional Overview., (2001), Energy Information Administration, Washington.
- 22- Takin, M., (1999), Iran seeks large volume of capital investment to boost upstream action, The Oil and Gas Journal, 13 September, Vol. 97, Issue 37.
- 23- True, W.R., (1999), Sub Sea pipe lay systems, repair tools advance, The Oil and Gas Journal, 6 September, Vol. 97, Issue 36.